

فقه فناوری اطلاعات و ارتباطات

حریم خصوصی

مستثنیات حکم حریم خصوصی

نظارت دولت بر عملکرد مردم

۷۸- جلسه هفدهم

۹۳/۱۲/۱۳



بحث فقهی: مستثنیات حرمت تصرف در حریم خصوصی

۴- نظارت دولت بر مردم

۴-۱- نظارت و دخالت دولت بر قیمت‌گذاری کالاها و خدمات:

۴-۲- نظارت و دخالت دولت در احتکار:

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

همچنین برخی روایات دلالت دارد بر این که حضرت امیر علیه السلام در دوران ولایت خود با ورود به حریم خصوصی خریداران و فروشندگان دستورات الزامی و استحسانی را بیان فرموده‌اند که نشان از تخصیص ادله ورود به حریم خصوصی دیگران به وسیله حاکم در امور بازار دارد. از جمله این روایت:

حدثنا أبو بكر أحمد بن محمد بن منصور الحاسب، سنة تسع وتسعين ومائتين، قثنا أبو عمران الوركاني قثنا المعافى بن عمران، عن مختار التمار، عن أبي مطر البصري، أنه شهد عليا أتى أصحاب التمر و جارية تبكي عند التمار فقال: ما شأنك؟ قالت: باعني تمرا بدرهم، فردده مولاي فأبى أن يقبله، قال: يا صاحب التمر، خذ تمرک و أعطها درهمها، فإنها خادم و ليس لها أمر، فدفع عليا، فقال له المسلمون: تدري من دفعت؟ قال: لا، قالوا: أمير المؤمنين، فصب تمرها و أعطها درهمها، قال: أحب أن ترضى عني، قال: ما أرضاني عنك إذا أوفيت الناس حقوقهم.

این روایت را خوارزمی در مناقب به اسناد خودش نیز نقل کرده است.

همچنین در کتب رجالی نقل است که پیامبر صلی الله علیه و آله سعید بن سعید عاص را برای نظارت بر رفتار بازاریان مکه منصوب کردند:

سعید بن سعید بن العاص بن أمیة بن عبد شمس القرشي، و أمه صفیة بنت المغيرة بن عبد الله بن عمر بن مخزوم، عمة خالد بن الولید، و أبي جهل بن هشام. قتل يوم الطائف شهيداً، و كان إسلامه قبل فتح مكة بيسير، و استعمله النبي صلى الله عليه وسلم يوم الفتح على سوق مكة، فلما خرج رسول الله صلى الله عليه وسلم إلى الطائف خرج معه، فاستشهد يومئذ. أخرجه ابن منده و أبو عمر.

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

همچنین در روایاتی از منابع شیعه و اهل سنت آمده که امیر المؤمنین علیه السلام در مواردی برای رعایت احکام اسلامی به خرید و فروش دیگران ورود کرده است و آنها را از محرمات منع کرده است از جمله روایت ذیل است:

- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْخُدْرِيِّ عَنْ أَبِي صَادِقٍ قَالَ: دَخَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ سُوقَ التَّمَارِينَ فَإِذَا امْرَأَةً قَائِمَةً تَبْكِي وَ هِيَ تُخَاصِمُ رَجُلًا تَمَرًا فَقَالَ لَهَا مَا لَكَ قَالَتْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اشْتَرَيْتُ مِنْ هَذَا تَمَرًا بِدِرْهَمٍ فَخَرَجَ أَسْفَلُهُ رَدِيًّا لَيْسَ مِثْلَ الَّذِي رَأَيْتُ قَالَ فَقَالَ لَهُ رُدَّ عَلَيْهَا فَأَبَى حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثًا فَأَبَى فَعَلَاهُ بِالذَّرَّةِ حَتَّى رَدَّ عَلَيْهَا وَ كَانَ عَلِيٌّ ص يَكْرَهُ أَنْ يُجَلَّلَ التَّمْرُ.

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

در برنامه درایة النور سند روایت ضعیف بر شمرده شده است. این روایت را مرحوم صدوق نیز به طور مرسل از حضرت امیر علیه السلام نقل کرده است. ابراهیم بن اسحاق الخدری حدیثی جز این در کتب اربعه ندارد ولی چون راوی مستقیم از او محمد بن ابی عمیر است ضرری به صحت سند نمی‌زند. تنها دو روایت از ابو صادق در کتب اربعه آمده است که یکی از آنها اینجاست. ابن حجر عسقلانی (م. ۸۵۲) توثیق او را نقل کرده است. اگر نقل قولهای ابن حجر را بپذیریم روایات حدیث همگی بدون اشکال می‌شوند. در باره او چنین نوشته است:

أبو صادق الأزدي الكوفي من أزد شنوءة، و قيل: اسمه مسلم بن يزيد، و قيل: عبد الله بن ناجد. روى عن ربيعة بن ناجد و مخنف بن سليم و عبد الرحمن بن يزيد النخعي و عليم الكندي و أرسل عن أبي محذورة و علي بن أبي طالب و أبي هريرة. روى عنه سلمة بن كهيل و عثمان بن المغيرة و شعيب بن الحباب و الحارث بن حصيرة و القاسم بن الوليد الهمداني و الحكم بن عتيبة و المسعودي و غيرهم. قال يعقوب بن شيبة: ثقة و ذكره ابن حبان في الثقات و قال ابن أبي حاتم سألت أبي عنه فقال: هو بابة أبي البجير الطائي كلاهما روى عن علي و لم يسمع منه و أبو صادق مستقيم الحديث. و قال النسائي في الكنى: أبو صادق عبد الله بن ناجد الأزدي أخو ربيعة بن ناجد و قيل اسمه مسلم بن يزيد و كذا قال أحمد بن ملاعب إنه أخو ربيعة بن

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

از عبارت فوق بر می آید که ابو صادق به نحو مرسل از امیر المؤمنین روایت نقل کرده است بنابر این قول، اشکالی که در حدیث است این که طبق نقل ابن حجر، ابو صادق احادیثش از حضرت امیر علیه السلام مرسل است. همچنین محمد بن حبیب بغدادی (م. ۲۲۵) نقل می کند که او با واسطه ربیعہ از علی علیه السلام روایت می کند:

ومنه (یزید) أبو ابی صادق الازدي، من غامد، الذی کان یروی عن ربیعة بن ناجذ عن علی رضی الله عنه.

غامد نام قبیله ای در یمن بوده. بنابر این نقل باید گفت یزید نام پدر ابوصادق است همان گونه که در نقلی نام او را مسلم بن یزید گفته اند. در این حال «الذی» صفت «ابی صادق» است نه صفت «ابو ابی صادق». بنابر این توضیحات تا اینجا روشن می شود که روات مذکور در سند حدیث ابو صادق همگی ثقه اند ولی سند روایت مرسل است.

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

ولی با مراجعه به رجال برقی روشن می‌شود که ابو صادق کلب الحرمی نام یکی از اصحاب حضرت امیر علیه السلام بوده که تا زمان امام باقر علیه السلام زنده بوده است.

أصحاب أمير المؤمنين عليه السلام: ... و اصحابه من اليمن ... أبو صادق كلب الحرمي... (رجال البرقي، ص ۶) أصحاب أبي محمد الحسن بن علي عليه السلام ... و من اصحاب امير المؤمنين عليه السلام ابو صادق كلب (همان، ص ۷) ... اصحاب ابی عبدالله الحسین به علی علیه السلام ... و من اصحاب امير المؤمنين ... ابو صادق (همان، صص ۷-۸) ... اصحاب ابی محمد علی بن الحسین علیه السلام ... و من اصحاب امير المؤمنين علیه السلام ... ابو صادق كلب الحرمی (همان، ص ۸) ... اصحاب ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین علیه السلام من اصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله و سلم جابر بن عبدالله الانصاري و من اصحاب امير المؤمنين عليه السلام ابو صادق (همان ص ۹)

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

اگر او حدود سال ۱۵ هجری بدینیا آمده باشد در سال ۳۶ هجری یعنی سال خلافت حضرت امیر علیه السلام حدود ۲۰ سال داشته و اگر بخواهد زمان امامت امام باقر را درک کرده باشد باید در زمان شهادت امام زین العابدین علیه السلام در سال ۹۵ هجری حدود ۸۰ سال داشته باشد. بنابر آنچه شیخ طوسی و برقی آورده‌اند او از معمرین اصحاب ائمه بوده است. این نشان می‌دهد که نقل حدیث او از امیرالمؤمنین با واسطه و بدون واسطه ممکن است.

اما مشکل اصلی در نام اوست که مردد است بین سه عنوان اول عبدالله بن ناجد برادر ربیع بن ناجد دوم مسلم بن یزید بنابر نقل قول ابن حجر و نسخه محبر که نام پدر او را یزید گفته بود. و سوم کلیب الحرمی بنابر نقل برقی (صص ۶-۸) و ما در اینجا نقل برقی را بر نقل‌های دیگر مقدم می‌داریم.

ظاهراً الحرمی تصحیف الجرمی است چون در منابع حدیثی اهل سنت تقریباً تماماً به جیم منقوطة نوشته شده است.

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

همچنین ابن ابی شعبه (م. ۲۳۵) در روایات اهل سنت روایتی نقل شده است که نشان می‌دهد احتمال این که ابو صادق همان کلب الجرمی باشد را تقویت می‌کند.

حدثنا أبو بكر قال حدثنا شريك عن غالب أبي الهذيل عن كلب الجرمي أنه شهد عليا ينهي القصابين عن النفخ - يعني في اللحم .

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

حال ببینیم کلب بن شهاب الجرمی وضعیتش چگونه است. در منابع رجالی اهل سنت در باره کلب بن شهاب چنین آمده است:

در ذیل سند حدیثی ابن حجر (م. ۸۵۲) چنین آورده است:

... عاصم بن کلب الجرمی عن ابیه و کان أبوه من اصحاب بدر. قلت: وقال ابن السکن شهاب الجرمی جد عاصم ابن کلب یقال له صحبة ولیس بمشهور فی الصحابة

و ابن قانع بغدادی (م. ۳۵۱) در باره او و پسرش عاصم در روایتی مشهور آورده است:

حدثنا عبد الله بن محمد ، نا محمد بن إسحاق ، نا قطبة بن العلاء قال : حدثني أبي : العلاء بن المنهال قال : قال لي محمد بن سوقة : اذهب بنا إلى عاصم بن كلب ، فانطلقنا فكان فيما قال : حدثني أبي : كلب الجرمي أنه شهد جنازة شهدا رسول الله صلى الله عليه وسلم وأنا غلام مع أبي ، أفهم وأعقل ، فانتهى إلى القبر ، ولما مكن للميت فجعل رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول للحافر : " خذ من موضع كذا ، وسو موضع كذا " ، حتى ظن الناس أنه سنة ، ثم التفت إلى الناس فقال : " إن هذا لا ينفع الميت ولا يضره ، ولكن الله يحب من العامل إذا عمل شيئا أن يجوده " .

ابن حجر در باره پدر کلب چنين آورده است:

شهاب بن المجنون، و يقال: شهاب بن كلب بن شهاب، و يقال: شهاب بن أبي شيبة، و يقال: شبيب، و يقال: شتير، جد عاصم بن كلب الجرمي، له و لابييه صحبة. روى حديثه عاصم بن كلب، عن أبيه، عن جده، عن النبي صلى الله عليه وسلم.

در كتاب الجرح و التعديل چنين آمده است:

كلب بن شهاب الجرمي الكوفي والد عاصم بن كلب روى عن النبي صلى الله عليه وسلم مرسلا و لم يدركه انما يرويه الناس عن عاصم بن كلب عن ابيه عن رجل من الانصار و روى كلب عن عمر و علي و سعد و ابي ذر و وائل ابن حجر روى عنه ابنه عاصم بن كلب و ابراهيم بن مهاجر سمعت ابي يقول ذلك و املاه علي، نا عبد الرحمن قال سئل أبو زرعة عن كلب الجرمي والد عاصم ابن كلب فقال كوفي ثقة.

و الحمد لله رب العالمين